

حوزه علمیّه خراسان

جلد اول
مدارس علمیّه مشهد

با مقدمه

آیه الله استاد محمد واعظزاده خراسانی

تألیف: محمود پسندیده

پسندیده، محمود، ۱۳۴۴ -

حوزه علمیه خراسان / محمود پسندیده، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۵

۳ ج: مصور.

ISBN: 964-444-687-9

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه.

۱. حوزه‌های علمیه -- ایران -- مشهد. ۲. حوزه علمیه مشهد. الف. بنیاد پژوهشهای

اسلامی. ب. عنوان.

۲۹۷/۰۷۱۰۵۵۸۲۲

ح ۵ پ / ۴۸ / BP ۷

م ۸۳ - ۴۹۳۸

کتابخانه ملی ایران



حوزه علمیه خراسان

جلد اول: مدارس علمیه مشهد

با مقدمه استاد آية الله محمد واعظ زاده خراسانی

محمود پسندیده

ویراستاران: مهیار علوی مقدم - محمدجواد مهدوی

چاپ اول: ۱۳۸۵ / ۱۰۰۰ نسخه / قیمت ۴۳۰۰۰ ریال

چاپ و صفائی: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: صندوق پستی ۳۶۶ - ۹۱۷۳۵

تلفن و دورنگار واحد فروش بنیاد پژوهشهای اسلامی: ۲۲۳۰۸۰۳

فروشگاه‌های کتاب بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: ۲۲۳۲۹۲۳، قم: ۷۷۳۳۰۲۹

شرکت به نشر، دفتر مرکزی (مشهد) تلفن ۷ - ۸۵۱۱۱۳۶، دورنگار ۸۵۱۵۵۶۰

Web Site: www.islamic-rf.org E-mail: info@islamic-rf.org

حق چاپ محفوظ است

فهرست مندرجات

۱۱	پیشگفتار.....
۱۵	مقدمه آیت الله واعظزاده خراسانی.....
۲۷	درآمد.....

فصل اول: کلیات پژوهشی طرح

۳۱	اهداف طرح.....
۳۱	ضرورت و اهمیت طرح.....
۳۲	دشواریهای طرح.....
۳۲	روش تحقیق.....
۳۳	روش تألیف.....

فصل دوم: کلیاتی درباره پیدایش و تکامل حوزه علمیّه مشهد

۳۷	پیدایش نخستین مدارس علوم اسلامی.....
۴۱	موقعیت علمی، فرهنگی خراسان بزرگ.....
۴۳	موقعیت جغرافیایی و تاریخی شهر مشهد.....
۴۸	تأسیس و رشد حوزه علمیّه مشهد.....
۵۰	حوزه علمیّه مشهد از طاهریان تا تیموریان.....
۵۲	حوزه علمیّه مشهد در عهد تیموریان.....

۵۵	حوزه علمیّه مشهد در عهد صفویان
۶۰	حوزه علمیّه مشهد در عهد قاجار
۶۰	حوزه علمیّه مشهد در دوران حکومت پهلوی اوّل
۶۳	حوزه علمیّه مشهد در دوران حکومت محمد رضا پهلوی
۶۵	حوزه علمیّه مشهد در دوران جمهوری اسلامی
۷۱	برنامه‌های آموزشی حوزه علمیّه مشهد
۷۶	شیوه‌های آموزش و فراگیری علوم اسلامی
۷۹	امتحانات حوزه علمیّه مشهد
۷۹	تعطیلات حوزه علمیّه مشهد
۸۱	پراکندگی مدارس علمیّه مشهد
۸۲	وضعیت معماری مدارس علمیّه مشهد

فصل سوم: پیشینه تاریخی مدارس قدیمی حوزه علمیّه مشهد مقدس

۸۷	مقدمه
۸۸	مدرسه بالاسر
۱۰۳	مدرسه پرزاد
۱۱۶	مدرسه دو در
۱۳۴	مدرسه مستشاریه
۱۳۹	مدرسه خیراتخان
۱۵۰	مدرسه میرزا جعفر
۱۷۲	مدرسه فاضل خان
۱۸۱	مدرسه عباسقلی خان
۱۹۵	مدرسه باقریه
۲۰۲	مدرسه حاج حسن
۲۰۸	مدرسه نواب
۲۴۲	مدرسه پایین پا

۲۴۸	 مدرسه رضوان
۲۵۱	 مدرسه سلیمانیّه
۲۶۸	 مدرسه ابدال خان
۲۷۲	 مدرسه علی نقی میرزا
۲۷۶	 مدرسه حاج آقا جان
۲۷۸	 مدرسه باغ رضوان
۲۸۱	 نگاهی گذرا بر دیگر مدارس تاریخی مشهد
۲۸۶	 مدارس علمیّه تاریخی شهر مشهد در یک نگاه

فصل چهارم: آشنایی با مدارس علمیّه معاصر (جدید) حوزه علمیّه مشهد

۲۸۹	 مقدمه
۲۹۱	 مدرسه جعفریّه
۲۹۵	 مدرسه حضرت آیت الله العظمی میلانی
۳۰۲	 مدرسه امام صادق علیه السلام
۳۰۷	 مدرسه عالی حسینی
۳۱۰	 مدرسه موسوی نژاد
۳۱۵	 مدرسه موسی بن جعفر علیه السلام
۳۱۹	 مدرسه بعثت
۳۲۴	 مدرسه حجّت (عج)
۳۲۶	 مدرسه مهدیه (عج)
۳۳۰	 مدرسه صاحب الزمان (عج)
۳۳۲	 مدرسه آیت الله کجوری
۳۳۵	 مدرسه حجّیه
۳۳۷	 مدرسه ولی عصر (عج)
۳۳۹	 مدرسه الحجة (عج)
۳۴۱	 مدرسه المهدی (عج)

۳۴۳	مدرسه ولی عصر (عج)
۳۴۵	مدرسه امام محمد باقر علیه السلام
۳۴۸	مدرسه حجتیه اصفهانیها
۳۵۳	مدرسه حضرت مهدی (عج)
۳۵۶	مدرسه حجة بن الحسن (عج)
۳۵۸	مدرسه آیت الله العظمی خویی
۳۶۸	مدرسه امام حسن عسکری علیه السلام
۳۷۰	مدرسه حضرت قائم (عج)
۳۷۳	مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام
۳۷۷	مدرسه خضرا
۳۷۹	دانشگاه علوم اسلامی رضوی
۳۹۷	مدرسه امام رضا علیه السلام
۳۹۹	مدرسه بقیة الله (عج)
۴۰۱	مدرسه امام حسین علیه السلام
۴۰۴	مدرسه ولی عصر (عج)
۴۰۷	مدرسه امام حسن مجتبی علیه السلام
۴۰۹	مدرسه خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله
۴۱۱	مدرسه المهدی (عج)
۴۱۲	مدرسه شاهد
۴۱۴	مدرسه حضرت ابوالفضل علیه السلام
۴۱۹	مدرسه سجادیه هراتی ها
۴۲۱	مدرسه جوادالائمه علیه السلام
۴۲۴	مدرسه و حسینیّه امام حسن مجتبی علیه السلام
۴۲۷	مدرسه سعادت
۴۲۹	مدرسه اهل بیت علیهم السلام
۴۳۲	مدارس علمیّه جدید در یک نگاه

فصل پنجم: آشنایی با مدارس علمیّه بانوان شهر مشهد مقدس

۴۳۷	 مقدمه
۴۳۹	 مکتب نرجس علیها السلام
۴۴۸	 مکتب حضرت رقیه علیها السلام
۴۵۳	 مؤسسه اسلام‌شناسی بانوان حضرت زهرا علیها السلام
۴۵۹	 حوزه علمیّه مقداد
۴۶۵	 مؤسسه علمیّه جامعه الرضویه
۴۶۸	 حوزه علمیّه حضرت خدیجه علیها السلام
۴۷۴	 نگاهی گذرا بر دیگر مکتبهای علمیّه بانوان مشهد
۴۷۶	 مکتبهای بانوان حوزه علمیّه مشهد در یک نگاه
۴۷۷	 عکسهای از مدارس قدیمی حوزه علمیّه مشهد
۴۹۷	 کتابنامه
۵۰۱	 فهرست تصاویر
۵۰۷	 فهرست نقشه‌ها
۵۰۹	 نمایه

پیشگفتار

آشنایی با تاریخ حوزه‌های علمیّه تشیّع که خاستگاه مراجع عالی قدر، علمای بزرگ و دانش پژوهان بیشمارى تاکنون بوده است برای همه اقشار جامعه بویژه نسل جوان از اهمیت و فواید زیادی برخوردار است. زیرا از سویی حوزه‌های علمیّه بویژه در قرن حاضر تأثیر فراوانی در زندگی اجتماعی مردم داشته‌اند و بیش از هر زمانی عهده‌دار رهبری امت اسلامی در بیشتر کشورها شده‌اند و این در حالی است که روند رشد و تکامل علمی، اجتماعی و سیاسی حوزه‌های علمیّه بسیار چشمگیر و موفقیت‌آمیز بوده است که بررسی علل موفقیت حوزه‌ها طلب می‌کند متفکران و دانشمندان نگاهی تازه به حوزه‌های علمیّه داشته باشند و از تجربه‌های ارزشمند آنها استفاده نمایند. از سوی دیگر با گسترش نقش حوزه‌های علمیّه در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی جامعه بخصوص پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی افراد بیشمارى علاقه‌مند هستند اطلاعات بیشتری در زمینه پیشینه تاریخی حوزه‌های علمیّه، برنامه‌های آموزشی، تربیتی، روشهای تدریس و حتی نوع معماری مدارس علمیّه به دست آورند، از این رو می‌طلبند که تاریخ حوزه‌های علمیّه تشیّع به دقت مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد، پژوهش انجام شده پیرامون چگونگی شکل‌گیری، پیشینه تاریخی و فعالیتهای گوناگون حوزه علمیّه استان خراسان در دو جلد ارائه خواهد شد که پژوهش حاضر تاریخ مدارس علمیّه مشهد می‌باشد و ان شاء الله بزودی در جلد دوم حوزه‌های علمیّه شهرستانهای استان خراسان مورد کنکاش و تحقیق قرار خواهد گرفت. آنچه بر اهمیت چنین کتابی می‌افزاید توسعه و رشد شهرها و از بین رفتن بافت قدیمی شهرها می‌باشد،

با نوسازی و بازسازی بافت قدیمی هر شهر مدارس علمیه نیز دستخوش تخریب می‌شوند و آنچه آنها را در یادها حفظ می‌کند، ثبت تاریخ و پیشینه علمی آنها می‌باشد. متأسفانه خلأ وجود چنین کتابهایی که یادآور یادگارهای علمی اصیل اسلامی باشد در استان خراسان بویژه شهر مشهد که دارای حوزه علمیه‌ای بسیار غنی و پرمایه با اندیشمندان و عالمان بلند آوازه می‌باشد کاملاً احساس می‌شد که با چاپ این کتاب که ثمره تحقیقات وسیع علمی هم در جنبه اسنادی و کتابخانه‌ای و هم در زمینه مطالعات میدانی و جغرافیایی می‌باشد تا حدی این کمبود مرتفع گردید.

طبیعی است که بررسی تمام ابعاد حوزه کهنسال و بزرگی همچون حوزه علمیه استان خراسان و بویژه شهر مشهد نیاز به پژوهشی عمیق و گسترده دارد که بر تمام ابعاد سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و اداری حوزه سایه افکند و هر کدام نیز تألیفی مستقل می‌طلبند. در کتاب حاضر، نگارنده تنها به یکی از جنبه‌های حوزه علمیه خراسان که همانا تاریخ مدارس علمیه و جایگاه علمی آنها به انضمام یادی از بانیان، متولیان و ذکری از ویژگیهای معماری آنها پرداخته است و دیگر ابعاد حوزه‌های علمیه که دارای مطالب مهمی چون تاریخ سیاسی، اجتماعی و فعالیتها و مبارزات و مجاهدات و کوششهای انجام شده در حفظ و نگهداری حوزه‌ها می‌باشد همچنان بکر و دست نخورده باقیمانده است. که خود تحقیقات وسیع و دامنه‌داری را می‌طلبند که ان شاء الله بزودی کتاب مستقلی تحت عنوان عالمان نامدار حوزه علمیه مشهد تقدیم علاقه‌مندان می‌شود.

قابل ذکر است که اطلاعات ذکر شده در تحقیق حاضر تا سال ۱۳۷۷ شمسی را در بر می‌گیرد و در حال حاضر ممکن است تغییراتی در برخی از این مدارس و اطلاعات مربوط به آنها به وجود آمده باشد.

در خاتمه برخود واجب می‌دانم از تمام کسانی که با همفکری، مساعدت و راهنماییهای بی دریغ خود نگارنده را در تدوین این کتاب یاری نمودند تشکر کنم. از حضرت آیت الله واعظ طبسی تولیت عظمای آستان قدس رضوی بخاطر تأیید و تأکید اجرای این طرح در آستان قدس رضوی، از حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر الهی خراسانی مدیر عامل محترم بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی که با راهنماییهای ارزنده و دقت در چگونگی تألیف کتاب این جانب را مورد عنایت قرار

دادند، همچنین از بذل توجه حضرت آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی برای تهیه مقدمه ارزشمند و راهنمایهای ارزنده، حجت الاسلام والمسلمین محمد حسن خزاعی به جهت آن‌که تمام کتاب را مطالعه و بررسی کرده و راهنماییهایی برای اصلاح برخی از موارد نمودند و استاد ارجمند آقای غلامرضا جلالی به علت بررسی و ارزیابی کتاب و راهنماییهای علمی کمال سپاس را دارم. بر خود لازم می‌دانم از آقای سید محسن حسینی نیز به جهت رفع اشکالات قسمتهایی که مربوط به معماری اسلامی بنای مدارس می‌شد و همچنین از آقایان محمد جواد مهدوی و مهیار علوی مقدم به جهت ویرایش ادبی این اثر قدردانی نمایم.

بر خود واجب می‌دانم از عنایت و همیاری همکاران گروه جغرافیای ممالک اسلامی به ویژه خانم دکتر احمدیان شالچی و همکارهای تنگاتنگ شورای برنامه‌ریزی و مدیریت حوزه علمیه خراسان و همه متولیان، مدیران و مسئولان مدارس علمیه شهر مقدس مشهد کمال تشکر را به جا آورم.

در پایان لازم است از زحمات گروه نمونه‌خوانی بویژه آقای عبدالحسین یداللهی و همچنین از زحمات بی دریغ آقای احمد کفاشیان مسئول آماده سازی کتابهای بنیاد و آقای احمد پهلوانزاده که در تنظیم صفحات و حروفچینی این اثر نقش مهمی داشتند و زحمات آقایان آرام و محمد سعید رضوانی، کمال قدردانی را بنمایم.

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی

محمود پسندیده

۱۳۸۴/۱۲/۱۵

مقدمه

خاطراتی از مدارس علمیّه مشهد

جلد اوّل از کتاب «حوزه علمیّه خراسان» به عنوان «مدارس علمیّه مشهد» نوشته آقای محمود پسندیده من را به یاد ایام جوانی و دوران تعلّم و طلبگی خود انداخت. به نظرم رسید خاطرات خود را از مدارس قدیمی مشهد بنویسم تا متّم و مکمل مندرجات ارزشمند این کتاب بشود. به خصوص که این جانب در همان دوران که طلبه مدرسه سلیمان خان بودم تاریخچه این مدارس را طی مقاله مبسوطی نوشتم و برای روزنامه پرچم اسلام که در سالهای ۱۳۲۳ به بعد، در تهران توسط دکتر تقوی شیرازی منتشر می گردید فرستادم و متأسفانه چاپ نشد و در آرشیو آن روزنامه محبوس گردید.

پیش از ذکر خاطرات خود از آن مدارس، این نکته را یاد آور می شوم که بقاع متبرکه ائمه اهل بیت (علیهم السلام) هر کدام منشأ شهری از شهرهای مذهبی ما گردیده، و از همان اوائل پیدایش این شهرها به موازات اقبال مردم به زیارت آن بقاع متبرکه و سکنی گزیدن در جوار آن بقاع و در شهرهای احداث شده، طالبان علوم اسلامی نیز به توقف در جوار آن بقاع و به اشتغال به تحصیل علوم اسلامی بخصوص معارف اهل بیت (علیهم السلام) از فقه، حدیث، تفسیر و دیگر علوم دینی، اقبال زیادی نشان داده اند. مثلاً شهر نجف اشرف که اندکی پیش از هجرت شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی معروف به شیخ طوسی در سال ۴۴۸ ق. از بغداد به نجف، شهر کوچکی بود، با هجرت شیخ به آن، پایگاه علوم

اهل بیت علیهم السلام گردید.

همان طور که می دانیم در آغاز اسلام تا چند قرن محل تعلیم و تعلم این علوم، مساجد بود و رفته رفته مدارس در کنار مساجد، برای سکنای طالبان علم تأسیس گردید که تاریخچه آن مدارس در سراسر جهان اسلام نیاز به پژوهش و تحقیق دارد. و بدین گونه، در جوار قبور ائمه نیز مدارس تأسیس گردید که از آن جمله مدارس نجف، کربلا، کاظمین، سامراء، قم و مشهد می باشند.

مسلماً حسن جوار با مزارات ائمه مانند زمان حیات آنان باعث برکت و خلوص نیت طالبان علم است که شواهد آن را در زندگی بسیاری از بزرگان دین می توان یافت. اینک، خاطرات خود را از مدارس قدیمی مشهد به ترتیب زمانی که من با آن مدارس تماس داشته ام می نگارم:

۱ - مدرسه دو دره: در سال ۱۳۱۴ ش. و کمی پیش از آن که من ده ساله بودم و به دبستان «معرفت» در پایین خیابان می رفتم، به توصیه پدرم مرحوم حاج شیخ مهدی واعظ خراسانی عصرها به مدرسه دو دره می رفتم. برادرم مرحوم حاج شیخ احمد واعظ در این مدرسه اتاق داشت و پیرمردی روحانی به نام شیخ علی اکبر دامغانی نیز در آن اتاق سکنی داشت، و من نزد وی کتاب گلستان سعدی را می خواندم. از ساکنان آن مدرسه در آن هنگام چیزی به یادم نمانده، مگر اینکه در دو طرف ورودی مدرسه از داخل دو سکو وجود داشت: در سکوی سمت چپ، کتاب فروشی ای بود با دو سه قفسه که صاحب آن شیخ محمد کتاب فروش در کسوت روحانی با قیافه گیرا و در حدود چهل سالگی بود. من با پسر وی آشنا شدم و تا همین اواخر آن پسر را که مانند من پا به سن گذارده بود می دیدم و خود را معرفی می کرد.

در همان وقت، آن کتاب فروش سخته کرد و از دنیا رفت، و آن کتاب فروشی تعطیل شد. قرار بر این بود که نزدیک غروب من و برادر دیگرم حسین (دکتر حسین خراسانی) با هم به مسجد گوهرشاد برویم و با مرحوم حاج سید رضا قوچانی یکی از ائمه جماعت مسجد نماز جماعت بخوانیم. وی در ایوان دم در حرم مطهر اقامه جماعت می کرد و نابینا بود. پس از نماز، پدرم که همانجا نماز می خواند، به هر کدام از ما چهار پول (دوشاهی) می داد و به منزل برمی گشتیم. یک روز که داخل مسجد شدم دیدم مردم در صحن مسجد

ایستاده‌اند و به طرف ایوان مقصوره توجه دارند. اولین روزی بود که شیخ بهلول در آن ایوان منبر رفته بود و در پی آن پس از دو سه روز فاجعه مسجد گوه‌رشاد رخ داد.

پس از این حادثه تا مدتی من به آن مدرسه رفت و آمد داشتم. یک روز گفتند رضا شاه به مشهد آمده و ما برای دیدن مراسم از در آخر مدرسه که به کوچه‌ای باز می‌شد - و به همان مناسبت آن مدرسه را «مدرسه دو در» می‌نامیدند - تا فلکه رفتیم، و ماشینهای شاه و همراهانش رد شدند. گویا این مدرسه همان اوقات تعطیل شد و تا سالهای ۱۳۲۲ ش. درش بسته و در اختیار اداره اوقاف بود، تا اینکه مرحوم حاج شیخ مرتضی آشتیانی - که پس از واقعه مسجد گوه‌رشاد به تهران تبعید شد و سپس به عراق رفت و در شهر کربلا ساکن و به تدریس و بحث مشغول بود - به مشهد برگشت و با کوشش مرحوم حاج شیخ محمود حلبی، اداره اوقاف مدرسه را باز کرد و تحویل مرحوم آشتیانی داد، اما وی توفیق نیافت کسی را در آن ساکن کند تا اینکه پس از مدتی مدرسه تحویل مرحوم حاج میرزا احمد کفایی ریاست حوزه و رسماً افتتاح و توسط وی تعمیر گردید.

از سالهای ۱۳۲۳ ش. به بعد در این مدرسه مرحوم آیت الله حاج شیخ کاظم مهدوی دامغانی رسائل شیخ انصاری را برای چند تن از طلاب درس می‌گفت و من از جمله آنان بودم. یکی از طلاب شاغل آن مدرسه، دکتر جعفری گیلانی در کسوت طلاب بود، او ادبیات را برای طلاب درس می‌گفت، بعداً راهی تهران شد و تغییر لباس داد و در حقوق به درجه دکترا نائل و از نویسندگان در زمینه حقوق گردید.

در همان اوان عالمی از دامغان به مشهد آمد و در یکی از اتاقهای فوقانی آن مدرسه برای طلاب ادبیات تدریس می‌کرد. همچنین مدتی مرحوم محقق نوغانی برای طلاب در ایوان قبله مدرسه شرح نظام درس می‌گفت، مرحوم آقای حاج شیخ کاظم دامغانی نیز در سالهای آخر برای عده‌ای از فضلاء حوزه در همین ایوان درس خارج فقه یا اصول می‌گفت. از حوادث مهم این مدرسه آن است که مرحوم آقای کفایی پس از اینکه چند سال در ایام محرم و صفر در مدرسه سلیمان خان - به شرحی که خواهم گفت - مجالس عزای برقرار می‌کرد، در سالهای آخر تقریباً از حدود سال ۱۳۲۵ ش. به بعد آن مجالس را در مدرسه دو در برگزار می‌کرد و ایام عزاداری بر روی صحن مدرسه خیمه می‌زدند و مجالس بسیار با رونق بود، بخصوص آقای کفایی و علما و شخصیتها روی سکوها دو

طرف می‌نشستند، و صحن مدرسه و ایوانهای اطراف پر از مرد و زن بود. محل منبر دم ایوان مقابل در مدرسه بود و وعظ معتبر منبر می‌رفتند. علاوه بر این، چون بازار بزرگ محل عبور دسته‌جات و هیأت‌های عزا بود هر یک از دسته‌جات هنگام عبور از بازار، داخل آن مجلس مدرسه دو در می‌شدند و سینه می‌زدند و می‌رفتند. این وضعیت سالها تا آخر عمر آن مرحوم در سال ۱۳۹۵ قمری ادامه داشت.

۲ - مدرسه پایین پا: «پایین پا» محوطه‌ای بود میان مسجد گوهرشاد (در شرقی آن) و مدرسه پایین پا، که در شمالی آن در ضلع جنوب شرقی پایین پا قرار داشت و چسبیده به آن در سمت شرق پایین پا، مقبره شیخ بهایی قرار داشت بود و در سمت شمال شرقی آن، راهروی سرپوشیده تا داخل صحن نو (صحن آزادی) بود، و در مقبره شیخ بهایی از همین راهرو باز می‌شد. قبر شیخ با ضریح، در گوشه شمال شرقی مقبره قرار داشت. قبرهای برجسته چند تن دیگر از علما هم در وسط و در مدخل آن مقبره بود. در دو طرف راهرو دکانهای آجیل فروشی و غیره واقع بود، معمولاً رفت و آمد از صحن به مسجد از این راهرو صورت می‌گرفت.

مدرسه پایین پا چهارگوشه، وسیع، دو طبقه و پوشیده از درختهای کلان توت بود. در شرقی مدرسه به فضای دستشویی به نام «خیرات» باز می‌شد. به خاطر دارم ما از پایین خیابان کوچه دربند علیخان وارد فلکه می‌شدیم و روبروی آن، کوچه باریکی ما را به آن «خیرات» و از آنجا به داخل مدرسه و پس از عبور از صحن مدرسه به (پایین پا) می‌رسانید، و از آنجا داخل مسجد گوهرشاد می‌شدیم. حد فاصل میان مدرسه و مسجد کوچه‌ای بود که به در دیگر مسجد و از آنجا به فلکه می‌رسید.

این مدرسه پس از سالهای ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ ش. تخریب گردید و به جای آن، موزه و کتابخانه آستان قدس ساخته شد. صحن آن هم همان صحن موزه بود که نام آن پس از انقلاب به «صحن امام خمینی» تبدیل گردید. مقبره شیخ بهایی و راهرو صحن نو و فضای پایین پا همه جزء آن بنا گردید. مهندس بنا چنان دقیق نقشه کشیده بود که مقبره شیخ بهایی به صورت کنونی درآمد و قبر آن بزرگ مرد، در وسط مقبره قرار گرفت، اما دیگر قبور از میان رفت. هنگامی که مدرسه را خراب می‌کردند از سر در مدرسه در طرف پایین پا - چنان که گفته می‌شد - تعدادی سکه‌های قدیمی فرو ریخت. بنابراین، مدرسه

پایین پا در خرابی اطراف فلکه - چنان که در گزارش آمده - خراب نشد، بلکه چند سال پس از آن، بخاطر ساختمان موزه خراب گردید.

۳- **مدرسه سلیمان خان:** این مدرسه برخلاف بسیاری از مدارس مشهد - چنان که در تاریخچه آنها آمده است - از آثار دوره قاجاریه و بانی آن سلیمان خان نیز از قاجاریه بوده است. در سال ۱۳۲۱ ش. که من همراه پدرم پس از چند سال اقامت در عتبات عالیات، به مشهد برگشتیم با سفارش پدرم به مرحوم کفایی، اتاقی در این مدرسه به من داده شد. اتاقهای مدرسه در یک طبقه در چهار طرف قرار داشت، به علت اینکه صحن مدرسه چند پله از کوچه پایین تر بود اتاقهای سمت کوچه (جنوب مدرسه) بسیار مرطوب بود که یکی از آنها را به من دادند، در کنار اتاق حوضخانه و مقابل آن در سمت دیگر، مدرّس قرار داشت. پس از چندی به اتاقی در سمت شمال منتقل شدم. آن اتاق قبلاً از آن مرحوم سید علی دُرّچه‌ای اصفهانی بود. وی پیرمردی فاضل و بسیار شوخ و شیرین و امام جماعت مسجد شاه و عموی نواب صفوی بود. او روزها به آن اتاق رفت و آمد می کرد. وقتی اتاق را تحویل گرفتم دیدم دیوارهای آن تا حدود یک متر کثیف است، شروع کردم به تراشیدن و شستن دیوارها، باری حدود هشت سال روزها در آن اتاق درس و بحث و مباحثه داشتم و شبها به منزل می رفتم. در اواخر آقای مسعودی یکی از طلاب بجستانی شریک من بود، مدتی هم آیت الله آقای سید محمد باقر حجّت که از کربلا آمده بود در آنجا سکنی داشت. من در این اتاق، مطّول، معالم، شرح لمعه و تفسیر صافی درس می دادم و کفایه را مباحثه می کردم و تمام سطوح عالی و چند سال درس خارج نتیجه سکناي من در آن اتاق بود. بیشتر طلاب مدرسه بجستانی یا میامی، و همه نوجوان بودند. چند نفر مازندرانی و قوچانی هم در میان آنان بودند. چند نفر هم از طلاب قدیمی بودند. روی هم رفته در حدود ۴۰ طلبه در آنجا شب خواب یا در روز ساکن بودند. کنار اتاق من کتابخانه مدرسه با حدود ۲۰۰ جلد کتاب چاپی و خطی و با مدیریت مرحوم حاج آقا جلال فرزند مرحوم حاج میرزا احمد مدرس یزدی قرار داشت. در اتاق اول دم در مدرسه اتاق آقایان سید علی و سید محمود سیستانی قرار داشت که روزها در آن توقف داشتند. این آقای سید علی سیستانی همان حضرت آیت الله سیستانی است که تا سال ۱۳۲۸ ش. در مشهد بود و در همان سال با ایشان به قم

هجرت کردیم و درس مرحوم آقای آیت الله سید محمد حجت تبریزی را با هم مباحثه می کردیم و پس از دو سه سال وی از قم به نجف هجرت کرد و در همانجا به درجه اجتهاد و مرجعیت نائل گردید.

طبق وقفنامه، هر سال در ماه مبارک رمضان به طلاب مدرسه افطاری می دادند و زمستانها در مدارس و تابستانها در صحن مدرسه سفره افطار پهن می گردید و باید قبل از افطار سر سفره ذکر مصیبت می شد و من چند سال از آن سفره با برکت بهره بردم.

از خصوصیات این مدرسه اوقاف فراوان آن بود که در گزارش آمده است و به هر یک از طلاب در ماه ۲۵ تومان شهریه می دادند که در آن هنگام مبلغ قابل توجهی بود. متولی مدرسه یکی از اولاد واقف به نام «مشیرالسلطنه» بود. وی مردی از اهل تصوف بود و گاهی همراه همسرش برای بازدید می آمد، گویا بعداً خود او هم بر اوقاف مدرسه افزود. مرحوم آقای کفایی سالها تا هنگام فوت از طرف متولی، اداره مدرسه را به عهده داشت. وی که رئیس حوزه و بلکه نفر اول علمای مشهد و بسیار مقتدر و مورد توجه اولیای امور بود، روزها قبل از ظهر در مدرسه یا در یکی از ایوانهای جلو اتاقها جلوس داشت و شخصیتها از داخل و خارج مشهد به دیدن او می آمدند و از همانجا به رتق و فتق امور در حوزه و بلکه امور شهر می پرداخت و من خاطرات فراوانی از آن دیدارها دارم.

از حوادث مهم این مدرسه آن است که پس از رفتن رضاخان و تجدید حیات حوزه مشهد و مراسم دینی، ایشان برای اولین بار در آن مدرسه مجالس عزاداری در دهه محرم و صفر دائر کرد. در همانجا خیمه می دوختند و گاهی طلاب مدرسه هم در آن کار شرکت می کرد. این خیمه تمام فضای صحن مدرسه را فرا می گرفت و وعاظ و ذاکران و مداحان به منبر بر می آمدند و مجلس از صبح تا ظهر ادامه داشت و نظر به اینکه این مدرسه سر راه دسته های عزاداری قرار داشت، آنها از چهار باغ داخل مدرسه می آمدند و به سینه زنی و عزاداری می پرداختند. این وضعیت چند سال ادامه داشت و بعداً همان طور که در گزارش مدرسه دو در گفتم به آنجا منتقل گردید.

گاهگاهی بازاریان دسته جمعی برای عرض حاجت به دولت نزد آقای کفائی می آمدند. اینک دو اجتماع بزرگ را از علما در این مدرسه یاد می کنم:

۱- در سال ۱۳۲۲ ش. آیت الله حاج آقا حسین قمی از کربلا به مشهد آمد و مورد

استقبال مردم قرار گرفت. در مراجعت به کربلا در تهران تقاضاهایی از دولت داشت، مانند اینکه اوقاف در مصارف خود مصرف شود، حجاب زنان آزاد باشد و جز اینها. دولت پاسخ نمی‌داد. وی در مسجد شاه (مسجد امام) نماز جماعت به پا کرد و علمای تهران و مردم بسیار به نماز او حاضر می‌شدند. جهت کمک به وی در مدرسه سلیمان خان علمای شهر گرد آمدند و طی تلگرافی از دولت خواستند پاسخ آیت الله را بدهد و بالاخره دولت جواب مساعد به وی داد.

۲- در سال ۱۳۲۴ ش. مرحوم آیت الله بروجردی از قم برای زیارت به مشهد آمد که او نیز مورد احترام و استقبال علما و مردم قرار گرفت. ایشان یک روز عصر جهت بازدید طلاب، با همراهان خود از علمای قم و تهران، در مجلس مهمی که در این مدرسه تشکیل دادند شرکت کرد. در همان مجلس مرحوم شیخ حسین بجستانی پیشکار آیت الله کفایی من را به آیت الله معرفی کرد و ایشان از من از درس کفایه سؤال فرمود که من پاسخ گفتم.

۴- **مدرسه خیراتخان:** در این مدرسه عده‌ای از طلاب قدیم و جدید سکنی داشتند. آیت الله میرزا حسنعلی مروارید، مرحوم حاج شیخ حبیب الله گلپایگانی، مرحوم شیخ علی دربندی، و نیز مرحوم شیخ سیف الله ایسی استاد فلسفه، و ادیب نیشابوری دوم هر کدام اتاقی داشتند. ادیب در مدرسه بالای در مدرسه درس مطول و حاشیه می‌گفت و همواره آن مدرس مملو از شاگردان ایشان بود. من نزد آقای ایسی درس منظومه می‌خواندم، گاهی در اتاق وی در طبقه بالا در زاویه شمال غربی و بیشتر در منزل او در محله نوغان. مدتی هم در یکی از اتاقهای فوقانی غربی با یکی از طلاب، شرح لمعه مباحثه می‌کردیم و نیز در همین اتاق نزد مرحوم شیخ جواد شیخ زاده شرح لمعه درس می‌خواندیم، و گاهی برای یکی از طلاب سیوطی درس می‌دادم. برادر من شیخ حسین (مرحوم دکتر حسین خراسانی) هم در اتاق فوقانی کنار مدرس اتاق داشت که به آنجا رفت و آمد داشتم. بسیاری از اوقات اهل علم مسافر در اتاقهای این مدرسه مدتی توقف می‌کردند. گاه به گاه مجالس روضه خوانی نیز در آنجا تشکیل می‌گردید. همچنین مرحوم سید نورالدین شیرازی از علمای بزرگ شیراز که به مشهد آمده بود جهت بازدید طلاب به این مدرسه آمد.

۵- **مدرسه ابدال خان:** من برای مباحثه درس شرح لمعه با آقای شیخ عیسی از

طلاب خاوری در سالهای ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳ ش. و بعد جهت شرکت در درسهای معارف و اصول مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی به این مدرسه رفت و آمد داشتیم و گاهی می دیدم مرحوم آیت الله شیخ محمد قوچانی از شاگردان آخوند خراسانی، در کنار باغچه برای یکی دو نفر کتاب مکاسب درس می دهد.

۶ - مدرسه حاج حسن: از سال ۱۳۲۳ ش. به بعد صبحها در درس کفایه آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی و بعداً شبها در درس خارج اصول، و چندی پس از پایان درس کفایه، قبل از ظهر در درس خارج عروة الوثقی وی حاضر می شدم. آقای محمد جواد فلاطوری (دکتر فلاطوری) و نیز آقای دادالله مسأله گوی مسجد گوهرشاد، و مرحوم شیخ محمود کلباسی از طلاب این مدرسه بودند، و اداره مدرسه هم به عهده وی بود.

۷ - مدرسه نواب: در سالهای پس از ۱۳۱۳ ش. این مدرسه از سوی اداره فرهنگ (آموزش و پرورش) به دبیرستان معقول و منقول تبدیل شده بود، پس از سال ۱۳۲۱ ش. گاهی من به آنجا سر می زدم که دیگر دبیرستان نبود، ولی تابلوی آن باقی بود و عده ای از بچه های دبیرستانی شهرستانها همراه چند تن از طلاب قدیمی در آن سکنی داشتند. مدرسه چهارگوش و وسیع در دو طبقه و پوشیده از درختهای توت بود. محل سکناي میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری اول در این مدرسه، و محل تدریس وی مدرس مقابل در مدرسه بوده است. بسیاری از شاگردان ادیب را در مشهد و نجف در زنی روحانیت و عده ای را هم با لباس عادی درک کرده ام.

مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی از سال ۱۳۲۲ ش. عصرها در مدرس پایین، درس مکاسب می گفت، بعدها در مدرس بالا، خارج طهارت درس می داد. من در هر دو درس با فاصله زمانی حاضر می شدم.

همان طور که گفتم مدرسه در اختیار اداره فرهنگ بود، تا اینکه در سال ۱۳۲۴ ش. آیت الله بروجردی که به مشهد آمده بود، تولیت شرعی مدرسه را به مرحوم حاج میرزا علی اکبر نوقانی از علمای جامع و خوش ذوق و ادیب واگذار فرمود. وی مدرسه را بسیار خوب تعمیر کرد. اتاقهای تحتانی که بسیار مرطوب بود کف آنها را خالی و با طاق ضربی کوره پوش کرد، فقط اتاق سمت چپ در مدرسه را به حال خود رها کرد. وقتی از وی سؤال می شد می گفت آن را باقی گذاشتم تا بدانند وضعیت اتاقها قبل از تعمیر

چگونه بوده است. این همان اتاقی است که در گزارش آمده از آن «فاضل بسطامی» بوده است و پنجاه سال در آن به درس و بحث و تألیف کتب پرداخته است.

گاه گاه در این مدرسه مجالس وعظ برگزار می‌گردید و مرحوم آقای نوقانی منبر می‌رفت و گاهی هم خود او درس اخلاق و در سالهای ۱۳۲۵ ش. به بعد درس کفایه می‌گفت. همچنین این مدرسه محل تدریس مرحوم آیت الله میرزا مهدی اصفهانی بود. در مدرسه بالا مقابل در، درس فقه و در زمستان در مدرسه پایین و در تابستان در صحن مدرسه، درس معارف می‌گفت. من یک سال در این درس حاضر شدم. مرحوم آیت الله خمینی در سالهای ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۸ ش. تابستانها به مشهد می‌آمدند. گاهی در مدرسه مدرسه سلیمان خان، و گاهی در مدرسه نواب جلوس می‌فرمود و علما به دیدن ایشان می‌آمدند. دفتر مرحوم نوقانی در اتاق سر در مدرسه بود و روزها قبل از ظهر جلوی یکی از غرفه‌های مدرسه جلوس می‌کرد و با سخنان بسیار شیرین خود جلسه را گرم می‌کرد. من گاهی در جلسه ایشان شرکت می‌کردم و خاطرات شیرینی از آن جلسه‌ها دارم.

یکی از حوادث مهم این مدرسه آن است که از سال ۱۳۳۴ ش. به بعد مرحوم علامه امینی مؤلف «الغدیر» در تابستان به مشهد می‌آمدند و در همین مدرسه شبها نماز جماعت اقامه می‌نمودند و منبر می‌رفتند. من تا آن هنگام چنان جمعیتی از نخبگان مشهد ندیده بودم. صحن مدرسه و غرفه‌های بالاپایین پر از جمعیت بود. مرحوم آیت الله میلانی و آیت الله حاج آقا حسن قمی هر دو در آن محل هر شب حاضر می‌شدند. مرحوم سید نورالدین شیرازی هم بازدید خود را نخست از طلاب این مدرسه شروع کرد، آن‌گاه با جمعیت انبوه همراه مرحوم آقای نوقانی پیاده تا مدرسه خیراتخان رفتند.

در سال ۱۳۲۹ ش. یا اندکی پس از آن، عده‌ای از طلاب مدرسه که ظاهراً از سوی مدیریت حوزه تأیید می‌شدند علیه مرحوم نوقانی راه افتاده و دسته جمعی به منزل علما رفتند و از آن مرد مدیر و با کفایت شکایت کردند. در همین اثنا وی سکت کرده غبار غم بر مردم مشهد نشست. بعداً اداره اوقاف آن مدرسه را به دیگری واگذار کرد. من آن وقت در قم به سر می‌بردم. یک روز آیت الله بروجردی در جلسه خود فرمود این مدرسه را من به مرحوم نوقانی واگذار کردم، حالا فلان آقا تلگراف زده که شهریه طلاب را پرداختم!

۸ - مدرسه میرزا جعفر: این مدرسه از سالهای ۱۳۱۳ ش. به بعد از سوی اداره

فرهنگ، محل «دانشکده معقول و منقول» شده بود، ولی بعد تبدیل به محل سنگ تراشی برای سنگ فرش صحنها گردیده بود، اما هنوز تابلوی دانشکده دم در مدرسه باقی بود. گاهی داخل مدرسه می‌رفتم و می‌دیدم اطراف مدرسه تا نزدیک لب بام سنگهای مسدّس را روی هم انباشته‌اند. این سنگها را بعداً در صحنها فرش کردند. با پی‌گیری مرحوم آقای کفایی، ایشان سالی صد هزار تومان از موقوفات مدرسه که در اختیار آستان قدس بود می‌گرفت و بین طُلاب حوزه تقسیم می‌کرد. بعداً در حدود سالهای ۱۳۲۵ ش. به بعد مدرسه را از آستانه تحویل گرفت و در اختیار طُلاب گذاشت. مرحوم آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی در مدرس سر در مدرسه درس معارف می‌گفت و بعد از چندی جلسات حاجی عابدزاده در آنجا تشکیل می‌گردید. آیت الله مروارید هم در مسجد مدرسه اقامه نماز جماعت می‌کرد. گاه به گاه مجالس وعظ در آن بر پا می‌شد که والد من منبر می‌رفت. چند تن از علما مانند آیت الله بروجردی و آیت الله خوانساری تصمیم گرفتند آن مدرسه را تعمیر کنند، ولی اجل به آنها مهلت نداد. ولیان نایب التولیه می‌خواست آن را خراب کند که مرحوم عبدالحمید مولوی و دیگران با اقدامات خود مانع از تخریب آن شدند، تا سرانجام پس از انقلاب به شرحی که در گزارش آمده تجدید بنا گردید و در اختیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی گذاشته شد و مدرسه خیراتخان هم پس از تجدید بنا ضمیمه دانشگاه علوم اسلامی رضوی گردید.

۹- **مدرسه باقریه:** این مدرسه تا قبل از ۱۳۲۲ ش. «دبستان مظفری» بود به نام مدیر آن که مردی فرهنگی و از طُلاب قدیم بود. مرحوم آقای کفایی با جمعی از طُلاب که من هم جزو آنها بودم، یک روز به مدرسه رفت و فرمود باید مدرسه را برای طُلاب تخلیه کنند. از آن هنگام مدرسه در اختیار طُلاب قرار گرفت. مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی کتاب رسائل را در آن مدرسه قبل از ظهر تدریس می‌فرمود. هر سال در ایام محرم طبق عمل به وقف، مجالس روضه خوانی و اطعام در آن بر پا می‌گردید. این مدرسه از سوی اوقاف به کلی تخریب و تجدید بنا شد که در توسعه اطراف حرم از بین رفت.

۱۰- **مدارس دیگر:** مدرسه «رضوان» و «مستشار» و «بالاسر» و «پریزاد» را فقط یک نوبت دیدم و در هر کدام معدودی طلبه ساکن بودند. راجع به مدرسه «پریزاد» گفته‌اند که بانی آن «پریزاد» (کنیز گوهرشاد) بوده است که از گزارش حاضر معلوم شده

است ندیم وی بوده نه کنیز او. از مدرسه فاضل خان پس از تخریب، تنها دیوار شرقی متصل به میهمانسرای قدیم آستان قدس کنار فلکه دیده می‌شد، ولی از طلاب می‌شنیدم که مدرسه بزرگی بوده و بزرگانی در آن درس خوانده‌اند. از بقیه مدارس در زمان ما اثری به جای نمانده بود و فقط اسمی از آنها می‌شنیدم. مدرسه علینقی میرزا در زمان ما فضای بازی بود و اتاقهایش در اختیار کارمندان آستان قدس قرار داشت. بعداً بر آن سقف زدند و پس از کاشی کاری دیوارها و سقف آن، با عنوان «دارالذکر» ضمیمه رواقهای حرم گردید.

۱۱ - **مدرسه عباسقلی خان:** این مدرسه در پایین خیابان سر راه منزل ما بود و گاهی من داخل آن می‌شدم. این مدرسه در آن هنگام، روبه ویرانی بود. و سکنه آن غالباً طلاب خاوری بودند. پدرم می‌گفت من و مرحوم میرزا علی آقای افتخاری، طبیب قدیمی، با هم در آن اتاق داشتیم. من درسهای دینی، و او درس طب می‌خواند. وسعت مدرسه بیش از مدارس دیگر و بازار مجاور آن قبلاً انبار کسبه بود و گفته می‌شد آن بازار طریقه اسبهایی بود که طلاب در ایام تعطیل می‌توانستند از آنها برای اسب سواری استفاده کنند. گفته می‌شد مرحوم حاجی فاضل خراسانی در آن مدرسه تدریس می‌کرده است. دو اجتماع بزرگ پس از سال ۱۳۲۱ ش. در آن مدرسه صورت گرفت:

اول، هنگامی که مرحوم اسدی نایب التولیه سابق آستانه به امر رضا شاه اعدام و در قبرستان پایین خیابان دفن شده بود، پس از رفتن رضا شاه از وی تجدید حیثیت گردید. جنازه او را از آن قبرستان به این مدرسه انتقال و از آنجا با احترام زیاد و با حضور مقامات دولتی و عده‌ای از علما تا آستانه مقدس تشییع کردند و در مقبره‌ای که در پشت سر مبارک حضرت برای خود تدارک دیده بود دفن کردند.

دوم، یک سال در مشهد باران عقب افتاد و خوف قحط سالی می‌رفت، علما و طلاب و مردم در این مدرسه گرد آمدند که دسته جمعی جهت اقامه نماز باران به خارج شهر بروند. از مرحوم شیخ حبیب الله گلپایگانی دعوت کردند که نماز باران را به پا دارد، وی در مدرسه حاضر شد و گفت طبق روایات باید مردم سه روز روزه بگیرند، آن‌گاه برای نماز از شهر بیرون روند و چون این شرط به عمل نیامده من مایل نیستم نماز باران بخوانم، سرانجام مردم تا گودال خستمالها واقع در زیر قبرستان پایین خیابان رفتند و نماز

را مرحوم حاج میرزا احمد مدرس اقامه فرمود و این تنها نماز بارانی است که من در عمرم دیده‌ام.

۱۲ - مدرسه باغ رضوان: اینجا قبلاً قبرستان قتلگاه بوده است که بعداً دفن اموات در آن متوقف گردید و در آن درختکاری شد و به «باغ رضوان» شهرت یافت. مرحوم آیت الله سبزواری از آستان قدس اجازه گرفت و مدرسه بسیار بزرگ رضوان را در دو طبقه در آن بنا کرد و در طبقه فوقانی عده‌ای از طلاب را سکنی داد و مدرس و کتابخانه‌ای هم برای آنان فراهم کرد و در ضلع جنوبی مدرسه کنار خیابان طبرسی متصل به قبر شیخ طبرسی، غسالخانه و مدرسه‌ای ضمیمه فرمود که در زمان ولیان هنگام توسعه فضای اطراف حرم همه آنها ویران گردید.

۱۳ - مدارس مرحوم حاجی عابدزاده: نخست از بنای «مهدیه» آغاز شد. نام «مهدیه» را مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی بر آن نهاد. بعداً در محلات مختلف مشهد به نام هر یک از ائمه اهل بیت علیهم‌السلام یک مدرسه ساخت که غالباً مدرسه ابتدایی بود و بعد از فوت وی به مدرسه طلاب تبدیل گردید. یک مدرسه هم به نام «فاطمیه» در پایین خیابان بنا کرد. مدرسه «عسکریه» در محله ما در کوچه عسکریه واقع بود. همه این مدارس در اوقات نماز با بلندگو اذان پخش می‌کردند.

از تطویل سخن معذرت می‌خواهم، باشد که این خاطرات به گزارشهای با ارزش کتاب ضمیمه گردد و فایده‌ای بر آنها مترتب شود.

آیت الله محمد واعظزاده خراسانی

زمستان ۱۳۸۴

درآمد

﴿قُلُوا لَا تَفَرُّ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي
الدِّينِ وَلِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ
يَحْذَرُونَ﴾.^۱
(توبه ۱۲۲)

سپاس خداوند جهانیان را و درود خدا بر محمد و خاندان خجسته او.
حوزه علمیه مشهد به برکت وجود بارگاه ملکوتی هشتمین اختر تابناک آسمان ولایت
امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در شمار حوزه‌های بزرگ علمی با پیشینه تاریخی هزار
ساله می‌باشد که خاستگاه مراجع عظام، فقیهان و عالمان عظیم الشان، دانشمندان، دانش
پژوهان و طلاب فاضل و عالی قدری از آغاز حیات پربرکتش تا کنون بوده است. به رغم
این موضوع تا کنون بررسی و پژوهشی جامع و عمیق در این باره انجام نگرفته است، از
این رو تحقیق و پژوهشی کامل و اصولی امری بایسته است.
«جای آن است که دستها و ذهنها و حافظه‌ها به کمک هم برخیزند و این خلأ را
پر کنند. این جانب امید چنین امری را برای خود ندارد، اما بحمد الله هستند کسانی که
بتوانند از آنچه گذشته است تصویری روشن ارائه کنند... به امید همت و همکاری آن
عزیزان»^۱.

بر این اساس طرح مطالعه تاریخ مدارس علمیه خراسان در سال ۱۳۷۴ به تصویب
هیأت مدیره محترم بنیاد پژوهشهای اسلامی رسید، سپس از همان سال مراحل ابتدایی

۱ - آیت الله خامنه‌ای، سید علی (رهبر معظم انقلاب)، گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه
علمیه مشهد، چاپ اول، کنگره جهانی حضرت رضا (علیه السلام)، مشهد، ۱۳۶۵، ص ۶.

طرح آغاز شد، ولی به علت گستردگی موضوع و پراکندگی مدارس علمیّه خراسان، مدارس علمیّه مشهد در اولویت قرار گرفت. از این رو مدارس حوزه علمیّه مشهد مشتمل بر ۱۸ مدرسه تاریخی، ۴۰ مدرسه جدید و ۱۱ مکتب خواهران مورد مطالعه قرار گرفت.

دستآورد این مطالعات و پژوهشها در پنج فصل گردآوری شده که عبارتند از: فصل اوّل: کلیّات پژوهشی طرح، در بردارنده اهداف، ضرورت و دشواریهای طرح، روش تحقیق و تألیف.

فصل دوم: کلیّاتی درباره پیدایش نخستین مدارس علوم اسلامی، موقعیت علمی، فرهنگی خراسان قدیم، پیشینه تاریخی شهر مشهد، حوزه علمیّه مشهد در دوران تیموریان، صفویان، قاجار، پهلوی، جمهوری اسلامی، برنامه‌های آموزشی حوزه، پراکندگی مدارس علمیّه مشهد، راهکارها.

فصل سوم: پیشینه تاریخی مدارس حوزه علمیّه مشهد، شامل: بررسی و مطالعه ۱۸ مدرسه تاریخی (که متأسفانه بیشتر آنها در گذر زمان از بین رفته‌اند) و بررسی موقعیت ممتاز علمی، فرهنگی و ویژگیهای معماری، موقوفات، متولیان، تعمیرات و استادان برجسته آنها.

فصل چهارم: بررسی و مطالعه ۴۰ مدرسه علمیّه جدید، شامل: مطالعه موقعیت فرهنگی، علمی، آموزشی و ویژگیهای معماری، موقوفات، متولیان و استادان برجسته این مدارس.

فصل پنجم: پژوهشی پیرامون مدارس علمیّه خواهران (غالباً به این مدارس «مکتب» گفته می‌شود) به همراه ویژگیهای علمی، فرهنگی و آموزشی خاص این مدارس.